



Evaluation of Michael Slott's Semantic and Epistemological View on Moral Act According to Ayatollah Misbah

MaryamSadat Nabavi Meybodi

Assistant Professor of Islamic Studies at Meybod University. mnabavimeybodi@gmail.com

Use your device to scan
and read the article online



Citation MaryamSadat Nabavi Meybodi. [Evaluation of Michael Slott's Semantic and Epistemological View on Moral Act According to Ayatollah Misbah (Persian)]. [QABASAT \(A Quarterly Journal on Philosophy of Religion and New Theology\)](#). 2024; 29 (113); 105-127

10.22034/QABASAT.2024.719154

Received: 16 June 2023 , Accepted: 03 November 2024

Abstract

Moral action is the most important measure of the moral subject in virtue ethics. Michael Slott, as a contemporary moral philosopher in the West, has put the basic subject as the text of his thinking, the context for explaining the semantic and epistemological components of the moral act. In this regard, in the present article, with a descriptive-analytical method, the explanation of Slott's point of view and then the criticism of his thinking based on the intellectual foundations of the Islamic philosopher of ethics, Ayatollah Misbah, have been discussed about the moral act. The findings indicate that Slott explains meaning and knowledge in the context of the "subject of cold base" and "subject of warm base" and uses two different principles in meaning and knowledge. Ayatollah Misbah considers the virtue of "benevolence", which is the main moral virtue, in Slott's idea, the central element of the nature of the moral act, as a secondary and secondary virtue. On the other hand, the principle of "hypothetical subject" in the epistemology of the moral act, according to Slott, is accepted to the extent of intuitive and very limited insight. Thus, he believes that 'faith' in God and the Day of Resurrection as a first-rate virtue and a perfect example of the essence of human happiness has such a capability that it provides the best semantic and epistemological approach to moral action, and at the same time, the practicality of morality to It does not challenge.

Keywords: Michael Slott, Moral Act, Knowledge of Moral Act, Conceptualization of Moral Act, Ayatollah Misbah, Faith.





ارزیابی دیدگاه سمانتیکی و معرفتی مایکل اسلوت درباره فعل اخلاقی از نظر آیت الله مصباح یزدی

مریم السادات نبوی میبدی

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه میبد. mnabavimeybodi@gmail.com

Use your device to scan
and read the article online



Citation MaryamSadat Nabavi Meybodi. [Evaluation of Michael Slott's Semantic and Epistemological View on Moral Act According to Ayatollah Misbah (Persian)]. [QABASAT \(A Quarterly Journal on Philosophy of Religion and New Theology\)](#). 2024; 29 (113): 105-127

10.22034/QABASAT.2024.717818

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۶ ، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳

چکیده

رفتار اخلاقی، مهمترین سنجه فاعل اخلاقی در اخلاق فضیلت است. مایکل اسلوت، به عنوان یک فیلسوف اخلاق معاصر در غرب، فاعل مبنایی را به عنوان متن اندیشه خود، بستر تبیین مولفه‌های سمانتیکی و معرفتی فعل اخلاقی قرار داده است. در همین راستا، در مقاله پیش رو با شیوه توصیفی - تحلیلی، به تبیین دیدگاه اسلوت و سپس نقد اندیشه او براساس مبانی فکری فیلسوف اخلاق اسلامی آیت الله مصباح یزدی، پیرامون فعل اخلاقی پرداخته شده است. یافته‌ها بیانگر آن است که اسلوت، معنا و معرفت را در بستر «فاعل مبنای سرد» و «فاعل مبنای گرم»، تبیین کرده است و در معنا و معرفت، دو بنیاد جداگانه را به کار می‌گیرد. آیت الله مصباح یزدی، فضیلت «خیرخواهی» را - که به عنوان بنیادی‌ترین فضیلت اخلاقی، در نظرگاه اسلوت، عنصر محوری ماهیت فعل اخلاقی است -، یک فضیلت درجه دوم و فرعی در نظر می‌گیرد. از سویی، اصل «فاعل فرضی» در معرفت‌شناسی فعل اخلاقی از نگاه اسلوت راهم به اندازه بینش شهودی و خیلی اندک می‌پذیرد. بنابراین بر این باور است، «ایمان» به خدا و روز قیامت به عنوان فضیلت درجه اول و مصداق کامل سعادت انسان، دارای چنان امکانی است که بهترین رویکرد سمانتیکی و معرفتی از فعل اخلاقی را از پایه می‌کند و در عین حال، عملی بودن اخلاق را به چالش نمی‌کشد. واژگان کلیدی: مایکل اسلوت، فعل اخلاقی، معرفت فعل اخلاقی، مفهوم‌شناسی فعل اخلاقی، آیت الله مصباح یزدی، ایمان

قبسات

سال بیست و نهم
شماره صد و سی و نهم / پاییز ۱۴۰۳

۱۰۷



Copyright © 2024 The Author(s);

This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC-BY-NC):

<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>,

which permits use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

مقدمه

فعل اخلاقی در برابر فعل طبیعی و غریزی انسان قرار می‌گیرد که به سبب این نوع فعل، انسان ستایش یا سرزنش می‌شود و در جامعه برای او ملاک عزت مندی و کرامت نفس و یا پستی خواهد بود. به طور طبیعی، سنجه‌ای وجود دارد که رفتارهای انسان را از حالت طبیعی و عادی خارج می‌کند و به آن وصف اخلاقی می‌دهد. از سوی دیگر مهم است که انسان‌ها بتوانند نسبت به سنجه‌های اخلاقی بودن یک رفتار، آگاهی و شناخت به دست بیاورند. ملاک‌ها و تعریف‌های گوناگونی در اینباره ابراز شده است شامل نوع دوست بودن یک فعل، هدفی غیرخود داشتن، احساس تکلیف وجدانی، استفاده از شهود درونی و از مقوله عبادت بودن رفتار می‌شود (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۴۷-۷۷ / محمودی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹-۱۴۲). در بررسی این دو مساله مادی یا الهی بودن اندیشه به عنوان ریشه بحث هم ارزشمند است. یک اندیشه سکولار به خودی خود، سخنی از خدا و ایمان و باور نخواهد زد و یک مکتب الهی فعل اخلاقی را با ایمان فاعل تبیین می‌کند.

مایکل اسلوت، پروفیسور فلسفه اخلاق در دانشگاه میامی و نویسنده آثار برجسته‌ای در مورد اخلاق فضیلت و مراقبت است. اسلوت فیلسوفی فضیلت‌گرا است. تبیین او از اخلاق فضیلت، تبیینی نظام‌مند از «فاعل مبنایی» (Agent Based) است. از نگاه اسلوت، هنر اخلاق فضیلت کلیشه‌ای و مبتنی بر اصول و قوانین نیست؛ بلکه تمرکز بر شخص فضیلت‌مند و ویژگی‌های درونی و انگیزه‌های اوست. از این‌رو، مهم‌ترین انتخاب او به منظور ارایه افکار خود در اخلاق فضیلت، فاعل مبنایی است؛ چرا که با عدم ابتنا، بر اصول و قواعد و انعطاف‌ناپذیری سازگاری دارد. به تبع این مهم، اسلوت در بررسی درستی و اصالت فعل فاعل فضیلت‌مند، به کارآیی اصول و قواعد باور ندارد، بلکه هویت فعل اخلاقی را با هر پیوند فرضی یا واقعی با فاعل‌های فضیلت‌مند در نظر می‌گیرد. او حتی هدف اخلاق یعنی سعادت را هم براساس فضیلت^۱ و فعل‌های فضیلت‌مندانه و بنیادین

۱. ملکات یا منش‌های ثابت، اگر ممدوح باشند، ذیل جستار «فضیلت» و اگر مذموم باشند، ذیل اصطلاح کلی «ذیلت» بحث می‌شوند (نیگل، ۱۳۹۳ ش، ص ۳۹۷).

ارزیابی دیدگاه سمانتیکی و معرفتی مایکل اسلوت درباره فعل اخلاقی از نظر آیت‌الله مصباح‌یزدی

تبیین می‌کند و کارایی قانون در بیان فعل اخلاقی را تا آنجا می‌داند که اعمال را تنها با «درست» و «غلط» یا «اخلاقاً جایز» یا «اجبار» در نظر می‌گیرد. بنابراین، مفاهیم شایسته در بیان ماهیت فعل اخلاقی از نگاه او «اخلاقاً خیر»، «قابل ستایش» و «فضیلت مندی» هستند؛ نه «اجبار» و «الزام»؛ (زیرا درخور فضیلت مندی نیست) (Slote, 1997a, p.4).

در اخلاق فضیلت، زندگی اخلاقی بر پایه شخص فضیلت مند و آنچه که او باید به آن فضیلت مند باشد است. از این رو، رویکرد نوشتار پیش رو، با توجه به تمرکز اخلاق فضیلت اسلوت، بر فاعلیت شخص فضیلت مند است. تا آنجا که، اسلوت اولین تمایز اخلاق فضیلت از رویکردهای اخلاقی دیگر را بر مبنای فاعل می‌داند. در این راستا، او معیار فعل اخلاقی را بیرون از ذات فاعل، نمی‌داند. از نگاه او، ارزش فاعل اخلاقی، آن قدر زیاد است که او را تا نزدیک ارزشمندترین عامل معرفت دهنده فعل اخلاقی پیش می‌برد. به همین دلیل، در تبیین معناشناسی و معرفت‌شناسی فعل اخلاقی، روی منش درونی فاعل تمرکز می‌کند (برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: (Id, 2001, p.4).

بستری که اسلوت انتخاب می‌کند تا در آن، در مورد فعل اخلاقی و عناصر مفهوم‌شناختی و معرفت‌شناختی آن بحث کند، همان فاعل مبنایی اوست که آن را در متن اخلاق فضیلت تفسیر می‌کند. بنابراین مسایل مورد بررسی در راستای هدف بیان شده، آن خواهد بود که ملاک معناشناسی و معرفت‌شناسی فعل اخلاقی از نگاه اسلوت با توجه به نوع تفکر اخلاقی او جداگانه بیان شود و به منظور ارایه تبیین جامع، او را در برابر آیت‌الله مصباح، فیلسوف اخلاق معاصر اسلامی نقد خواهیم کرد. ایشان هم یک اندیشه فضیلت محور دارد و با توجه به محوریت فاعل و منش فضیلت مندانه او به تحلیل مساله پیش رو می‌پردازد؛ اما در بیان مصادیق با اسلوت هم‌رأی نیست و او را نقد می‌کند. در واقع، از دید ایشان، دیدگاه مایکل اسلوت، عملی بودن اخلاق را به چالش می‌کشد و فاعل اخلاقی را سردرگم می‌کند که به صورت گسترده، درباره آن بحث خواهد شد.

پیرامون مساله پیش رو، نگارشی انجام نشده است؛ اما درباره جوانب کار، آثاری یافت می‌شود و فیلسوفان برجسته غربی و شرقی، در این باره، از جمله ارسطو در کتاب اخلاق

نیکوماخوس (ارسطو، ۱۳۷۸)، کتاب آموزش عمل اخلاقی (Ruth and others, 2006) و زهرا خزاعی در آثاری چون کتاب معرفت‌شناسی فضیلت (خزاعی، ۱۳۹۴) و در مقاله «باور دینی، انگیزش و التزام اخلاقی» (خزاعی، ۱۳۹۳) و ... دیدگاه‌های ارزشمندی ارائه کرده‌اند. مسایلی همچون معنا، معرفت و وجودشناسی فعل اخلاقی و یا تاثیرات مولفه‌های نیت و انواع منش در فعل اخلاقی نیز در آثار پراکنده دیگری (نبوی میبدی، ۱۳۹۶) تحلیل و پژوهش شده است. آیت‌الله مصباح هم در کتاب‌های فلسفه اخلاق و اخلاق در قرآن و نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، درباره معنا و معرفت عمل اخلاقی نوشته‌هایی دارند.

با توجه به آنچه درباره اندیشه اخلاقی مایکل اسلوت بیان شد، برای اینکه بتوان دیدگاه سمانتیکی و معرفتی او را پیرامون فعل اخلاقی، شمرد، ناگزیر باید دید گسترده‌ای درباره فاعل اخلاقی به دست آورد. ابتدایی‌ترین مساله و پیش‌فرض او به منظور بیان هویت فاعل اخلاقی، مفهوم‌شناسی فضیلت است. بنابراین، او برای اینکه بتواند درباره فاعلی که اخلاق‌مند است، دیدگاه خود را ارائه کند، از کلیدواژه «فضیلت» بهره می‌گیرد؛ چراکه فاعل اخلاقی، هویت خود را از فضیلتش به دست می‌آورد. در پی پاسخ به معرفت باید فاعل اخلاقی و غیراخلاقی را از هم جدا کرد و سنجه‌ای ارائه کرد که هر دو بتوانند به هنگام فعل اخلاقی را بازشناسند؛ به گونه‌ای که در موقعیت‌های گوناگون و حین تراحم فضیلت‌ها دچار تعارض معرفتی نشوند. آیت‌الله مصباح هم رویکردی موازی - البته با تفاوت بسیار در بیان مصادیق - دارند. پس، به ارائه دیدگاه ایشان در این دو حوزه و رویارویی و نقد ایشان از اسلوت خواهیم پرداخت. از همین رو، در ابتدا به تبیین کوتاهی از فضیلت از دیدگاه اسلوت به عنوان مبنای تعریف فاعل اخلاقی و فعل اخلاقی می‌پردازیم.

۱. فضیلت، یک قدرت درون

فضیلت، نشانگر توانمندی و قدرت در نفس است. نفس، با فضیلت از حالت بی‌تفاوتی درمی‌آید و توانایی این را پیدا می‌کند که منفعلانه عمل نکند، بلکه حتی در رویارویی با وسوسه‌ها و هرچه انسان را به بی‌راهه می‌برد، رفتار کند. فضیلت‌ها از نگاه اسلوت به این دلیل ستودنی هستند که دربردارنده یک قدرت درونی قابل ستایش هستند.

ارزیابی دیدگاه سمانتیکی و معرفتی مایکل اسلوت درباره فعل اخلاقی از نظر آیت‌الله مصباح‌یزدی

ویژگی‌های منشی قابل ستایش یا منعطف به خود (Other-Regarding) فرد است یا منعطف به دیگران و یا ترکیبی از این دو هستند؛ یعنی ویژگی سودرسانی آنها یا بی‌واسطه به خود فرد می‌رسد و یا به دیگران. ویژگی‌هایی مانند عدالت، مهربانی، پاکدامنی و بخشندگی، منعطف به دیگران است و به صورت نهفته، ویژگی سودرسانی به دیگران را دارند و ویژگی‌هایی مانند احتیاط، هوش، متانت و صبر، دارای جنبه‌هایی هستند که دارنده فضیلت، بهره اصلی را می‌برد. گروه سوم از فضیلت‌ها، «فضیلت‌های ترکیبی» (Self-Regarding) هستند که هم برای دارندگان این فضیلت‌ها و هم برای افراد دیگر مفید هستند؛ از جمله پرستش و شجاعت (Slote, 1992, p. 9).

می‌توان گفت به صورت کلی، آن دسته از ویژگی‌های منشی، قابل ستایش هستند و در گروه فضیلت‌ها قرار دارند که در بردارنده خیررسانی باشند؛ ولی محدوده و دامنه‌ی آن، به صورت تشکیکی به خود صاحب فضیلت و دیگران خواهد رسید. همین سنجه اصلی در برداشت یک ویژگی به عنوان فضیلت است. فضیلت‌ها منعطف به دیگران هیچ اولویت و پیشگامی بر فضیلت‌های منعطف به خود شخص ندارند. بنابراین به باور اسلوت اگر برتری در این زمینه را بپذیریم، به یک عدم تقارن در گستره فضیلت‌ها خواهیم رسید که هیچ توجیه اخلاقی نخواهد داشت. این باور درباره فضیلت‌های ترکیبی هم درست است. شجاعت و خودکنترلی به همان اندازه ستودنی هستند که فضیلت‌های دیگر (Ibid, p. 10).

بنابراین، یک ویژگی وقتی فضیلت است که هم برای دیگران سودمند باشد و هم در خیررسانی به دو طرف ناسازگاری پیش نیاید. باید گفت برخی فضیلت‌ها از جمله صبر و احتیاط، می‌توانند برای هدف‌های پلید و زشت هم به کار روند؛ یعنی فردی که این ویژگی را دارد، آن را برای افعال غیراخلاقی مانند شکیبایی برای کینه‌توزی یا کمین کردن برای دزدی استفاده کند. از این رو، در اینجا این ویژگی منشی، نمی‌تواند به عنوان فصل در تعریف فضیلت قرار گیرد؛ چون قابل ستودن و ستایش نیست و ویژگی اصلی خیررسانی و سودرسانی را ندارد.

افزون با اسلوت، فیلسوف اخلاق دیگری هم با او هم‌دید هستند. کانت هم در تبیین

فضیلت، به این قدرت درون، گواهی می‌دهد، ولی آن را به صورت تشکیکی در نظر گرفته و در رویارویی با رذیلت توضیح می‌دهد. به همین دلیل، نقطه روبروی قدرت نفس در حالت فضیلت‌مندی، ضعف نفس است که به آن رذیلت اخلاقی گفته می‌شود (کانت، ۱۳۹۳، ص ۳۸). آنچه بازدارنده این قدرت می‌شود، در واقع بازدارنده‌هایی است که همان گرایش‌های طبیعی و خواهش‌های نفسانی انسان است و او را به سوی ضعف اخلاقی و رذیلت می‌کشاند.

به عنوان نمونه، وجود فضیلت‌هایی همانند اعتماد به نفس (Self Confidence) و خود کفایی (Self-sufficiency) یا استغناء، شاهدی بر قدرت درونی نفس است که فرد می‌تواند هم برای خود و هم در گستره پیوند با دیگران سودمند باشد. توضیح اینکه، انگیزه سربار بودن و وابستگی، از اساس بد است. به تبع، آن کارهایی که نشانگر انگیزه اعتماد به نفس است، خوب است. روشن است کسانی که اعتماد به نفس دارند به گونه‌ای رفتار می‌کنند که هم برای خودشان و هم برای دیگران نتیجه‌های خوبی دارد. به عبارت دیگر فضیلت، دارای ارزش خدادادی است که توانایی‌های گسترده‌ای دارد (در این خصوص زاگزیسکی نیز با او هم نظر است (Zagzebski, 1996, pp.84-86)).

نتیجه دیگر فضیلت خودکفایی، برابری آرزوها و خواسته‌ها است. شکل دیگری از توانایی درونی که به خودی خود ستودنی است و می‌تواند به ما در روشنگری گونه‌های رفتارهای نوع دوستانه کمک کند. دیگر خود شخص مطرح نیست که از کمک به دیگران یا بخشش به آنها خودداری کند؛ زیرا اگر چنین کند، گویای آن است که وابسته به مادیات است و دارای نفس آزاده و سالم نیست.

افرادی که در خواسته‌های خود تعادل را رعایت می‌کنند، موفق و بی‌نیاز هم هستند و عوامل بیرونی که با کارکرد درست فضایل ناسازگاری، نمی‌تواند روی آنها تأثیر بگذارد. این افراد نسبت به دیگران کمتر حریص هستند و وابستگی آنها نسبت به چیزهایی که افراد معمولی به آنها دلبستگی دارند، خیلی کم است؛ به خاطر ذات خوبی یا توقع دیگری مثل ستایش دیگران، به خاطر ذات فضیلت، به دیگران کمک می‌کند نه به خاطر برگرداندن

ارزیابی دیدگاه سمانتیکی و معرفتی مایکل اسلوت درباره فعل اخلاقی از نظر آیت‌الله مصباح‌یزدی

کمکی که پیش‌تر به او شده است. این شخص دیگرگرا است و دارای فضیلت خیرخواهی بر پایه خود کفایی است. از این‌رو اسلوت با «دلسوزی» و «خیرخواهی»، محدوده توانایی درونی را توضیح می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که هم به نیازهای خود عامل و هم دیگران توجه می‌شود. به‌طور مثال، شجاعت به عنوان یک فضیلت، وقتی از شخص بروز می‌کند که او با پیشامدهای ناخوشایند همراه با خطر روبه‌رو شود. یک پیشامد خارجی سبب بروز فضیلت شجاعت می‌شود و از یک قدرت درونی خبر می‌دهد و دربردارنده قدرتی ستودنی است. آنچه در اینجا از نگاه اسلوت مهم است این است که قدرت درونی، اخلاقی باشد و در پی آن نباشد به‌طور مثال در رابطه با دیگران، آنها را فریب دهد یا از آن سوءاستفاده کند. در غیر این صورت نمی‌تواند مبنای فاعل مبنایی اسلوت قرار گیرد (Slote, 2001, p. 21). با توجه به این توضیح در بیان ریشه فضایل، در یک تحلیل معناشناختی از دیدگاه اسلوت می‌توان گفت که فضیلت، یک ویژگی منشی ستودنی (Admirable Character Trait) است (Id, 1992, p.9) و منشی فضیلت به شمار می‌رود که خاصیت سودمند بودن در آن دیده شده است.

به بیان دیگر، آن دسته از ویژگی‌ها در انسان به عنوان جنس در تعریف فضیلت می‌گنجد (ویژگی منشی) که در اولین مرحله به صورت بالقوه دربردارنده خیرسانی و سودرسانی باشد. از این‌رو، ویژگی‌هایی که شخص داراست و این ویژگی را ندارد، دیگر ویژگی منشی نخواهد بود؛ بلکه در گروه ویژگی‌های شخصیتی (Personality Trait) فاعل قرار می‌گیرد. ویژگی‌هایی همانند فریبا و ملیح بودن از جمله خصوصیات شخصیتی است که نمی‌تواند از جمله فضایل باشد.

۲. فاعل اخلاقی

با آنچه که درباره چیستی فضیلت از دیدگاه اسلوت گفته شد، باید دانست که او فاعل اخلاقی و فضیلت‌مند را هم معنی می‌داند و بیشتر زمان‌ها، این دو واژه را به جای یکدیگر به کار می‌برد به‌گونه‌ای که فاعل فضیلت‌مند و اخلاقی را کسی می‌داند که هم انگیزه فضیلت‌مندانه دارد و هم مطابق با آن انگیزه عمل می‌کند (Id, 1997b, pp.9-11). شخصی که افزون بر داشتن

منش فضیلت‌مندانه برابر با آن، به نحو اقتضا عمل می‌کند. او به دلیل دارا بودن فضیلت، این توان‌مندی را دارد که در هر موقعیت می‌تواند آنچه خوب یا درست است را درک کند و سپس برابر با آن رفتار کند (Id, 1992, p.89). فضیلت به او این توانایی را می‌دهد که بینش شهودی به دست آورد و به تبع آن، مقیاسی برای درستی و خوبی اعمال داشته باشد. از این رو، اسلوت فاعل اخلاقی را تا آن اندازه توان‌مند می‌داند که بتواند در معرفت‌شناسی اخلاقی خود موفق عمل کند (Id, 1997a, p.6). او توانایی شناسایی فضایل و مصادیق را دارد و در معرفت‌شناسی یا بینش شهودی خود، نیاز به عاملی خارج از خود یا اصل و قانونی ویژه ندارد. البته در این میان او توانایی انتخاب و انجام تمام کارهای غیراخلاقی را هم خواهد داشت. فاعل اخلاقی، اراده آزاد دارد که حتی اگر اخلاقی است، ناچار به انجام اخلاقیات نباشد.

۳. رویکرد معناشناسانه و معرفت‌شناسانه اسلوت در باب فعل اخلاقی

۱-۳. فاعل مبنای سرد و فاعل مبنای گرم

ابتدای نوشتار درباره فاعل مبنایی و عناصر آن توضیحاتی داده شد؛ اما این فاعل مبنایی، خود برای تبیین موضوع پیش رو، به دو شاخه اصلی در دیدگاه اسلوت تقسیم می‌شود (Id, 2001, p. 19) و هرکدام بستری است که می‌توان در آن جنب‌های معنا و معرفت فعل اخلاقی را بررسی کرد. این دو فاعل مبنایی به نام فاعل مبنایی «سرد» (cool agent based) و «گرم» (Warm agent based) شناخته می‌شود.

۱-۱-۳. فاعل مبنای سرد

فاعل مبنایی سرد، کمینه فضیلت - یعنی همان نیروی درون و سلامتی نفس - را در نظر می‌گیرد. به بیان دیگر، این نیروی درونی، یک دید کل‌نگر داشتن به فضیلت‌مندی و نه جزء‌نگر است. اسلوت در فاعل مبنای سرد ابتدایی‌ترین عنصر مقوم فضیلت را در نظر می‌گیرد و دیگر به صورت مصادیقی به فضیلت‌ها نمی‌پردازد؛ چرا که فضیلت‌ها، اولین بار از سرشت پاک فاعل خبر می‌دهد. هر نوع دوستی و هر نوع نگرانی برای دیگران، می‌تواند از مفاهیمی مانند سلامت و قدرت نفس ناشی شود (Ibid, p.29) بنابراین به صورت کلی نه به طور خاص (مصادیق فضیلت‌ها) پرداختن به فضیلت‌ها، دامنه فاعل مبنای سرد

ارزیابی دیدگاه سمانتیکی و معرفتی مایکل اسلوت درباره فعل اخلاقی از نظر آیت‌الله مصباح‌یزدی

را شکل می‌دهد. این گستره، تنها توانایی تبیین مواردی خاص، همانند تعریف و دامنه ناچیزی از معرفت فعل اخلاقی را دارد. نیروی درونی برابر با این نوع فاعل مبنایی در تنوعی از اشکالش، تنها پایه برای درک اخلاقی بودن عمل اخلاقی است (Ibid, p.21).

۳-۱-۲. فاعل مبنای گرم

اما فاعل مبنای گرم، از مرحله سرد فراتر می‌رود؛ یعنی به فضیلت‌های جزئی‌تر نگاه می‌شود و دامنه مصادیق آنها مشخص می‌شود. فضیلت‌های از جمله شجاعت، سخاوت و حکمت و... از جمله فضیلت‌ها و مصادیقی هستند که هرکدام جداگانه می‌توانند تعریف شوند و باید درباره هر کدام به صورت ویژه سخن گفت تا مرزبندی‌شان نسبت به یکدیگر مشخص شود و به تبع آن، نقطه روبرویی هریک، به نام رذیلت شناخته شود. وقتی درباره فضیلت‌ها این‌گونه سخن گفته شود، می‌توان درباره تأثیرشان در فاعل و فعل هم سخن گفت؛ آن‌گونه که یک فضیلت، چه قابلیت دارد که می‌توان از چگونگی و چرایی تأثیرش در فاعل و فعل سخن گفت. در برابر، عدم توجه به فضیلت‌ها به طور جزئی و فضیلت را تنها یک قدرت دانستن، هرگز نمی‌تواند دلیل اینکه چرا فاعل اخلاقی از افعال غیراخلاقی پرهیز می‌کند را بیان کند و یا اینکه چگونه فضیلت، دارنده‌اش را قادر می‌کند، افعال اخلاقی را ارزیابی کرده، بشناسد، تا بفهمد در هر موقعیتی چه فعلی را برابر با کدام فضیلت انجام دهد.

به نظر اسلوت این‌گونه فاعل مبنایی، رویکرد بهتری از سرد و حتی جایگزین مناسبی برای آن است؛ چرا که بهتر می‌تواند نگرانی و خیرخواهی را برای دیگران - که عنصر جدایی‌ناپذیر و پایه تفکر اخلاقی است - بازتاب دهد (Ibid, p.36). از سوی دیگر می‌تواند در حل مشکل‌های اخلاقی سودمند بوده و هدایت‌گر عمل باشد. (Ibid, p.38). اینکه فاعل مبنای گرم می‌تواند در معرفت‌شناسی و رفع نزاحمات اخلاقی برای فاعل هم سودمند باشد، دغدغه مهم اسلوت است.

اخلاق فضیلت‌محور بر پایه فاعل مبنای گرم، دو گزینه کاملاً متفاوت دارد:

۱. بی‌طرفی (اخلاق خیرخواهی عمومی)؛

۲. اخلاق جزئی مراقبت (Ibid, p. 32).

مایکل اسلوت در کشمکش بین این دو رویکرد بر این باور است که باید خیرخواهی عمومی را بر مراقبت و عشق محدودتر برتری داد؛ چرا که پایه اخلاق، یک خیرخواهی جهانی است (Ibid, p. 137).

از این رو، او فاعل مبنای سرد را در حد جزئی، بر معرفت‌شناسی و معناشناسی عمل اخلاقی توانا می‌داند که ترجیح می‌دهد آن را کنار گذاشته و در هر دو گستره، فاعل مبنای گرم را جایگزین در فاعل مبنای گرم، یک عمل از نگاه اخلاقی پذیرفتنی است اگر و فقط اگر ناشی از انگیزه فضیلت‌مندانه یا خیری باشد که کمترین بدی را برای دیگران نخواهد. او این فاعل مبنایی را به هر رویکرد رقیب دیگری ترجیح می‌دهد (Ibid, pp.64,137).

۲-۳. معناشناسی فعل اخلاقی از دیدگاه اسلوت

وقتی می‌خواهیم خوانش مایکل اسلوت از فعل اخلاقی را جویا شویم، وارد گفتاری چند جانبه می‌شویم. به این صورت که او از هر سو که می‌خواهد به این فعل از انسان بپردازد، بستر فکری ویژه‌ای را در نظر می‌گیرد. در معناشناسی و مفهوم‌شناسی فعل اخلاقی، فاعل مبنایی را برمی‌گزیند و با یک دید کل‌نگر آن را تعریف می‌کند.

در اندیشه فاعل مبنای اسلوت، تصور نفسی زیبا، سالم و قوی به عنوان سنگ بنای درونی اعمال همه انسان‌های اخلاقی دانسته می‌شود. اگر فاعل، فضیلت‌مند باشد، نشانگر آن است که نفس و درونش توانایی مثبت و خوبی دارد و او از قدرت درونی خوبی برخوردار است. با این مبنا می‌توان دیدگاه سمانتیکی اسلوت درباره فعل اخلاقی را به دست آورد.

«فعلی اخلاقی است که از سوی فرد دارای نفس سالم و با فضیلت سر بزند». ماهیت فعل اخلاقی در فاعل مبنایی، فاعل اخلاقی قابل نشان دادن است و هویت فعل اخلاقی در گروهی فاعل اخلاقی و انتخاب اوست. از این رو، اخلاقی بودن فعل در اینجا فرآیندی دارد که قانون یا سنجه اخلاقی در آن نقشی ندارد (Ibid, p.5). بنابراین فعلی از نظر اسلوت اخلاقی است که بازتاب‌کننده احساس (همدلی، هم‌دردی و خیرخواهی) و دغدغه‌مندی فاعل، باشد و در برابر، فعل غیر اخلاقی بازتاب خونسردی و بی‌تفاوتی اوست (Id, 2009, p. 57,72).

۳-۳. معرفت‌شناسی فعل اخلاقی از دیدگاه اسلوت

وقتی عناصر فاعل مبنای گرم از دیدگاه اسلوت مورد کاوش قرار می‌گیرد، در واقع بستر معرفت‌شناسی فعل اخلاقی راه خود را باز می‌کند. در این دامنه حاکمیت قانون و اصول، راهی بر فعل و فاعل ندارد. به بیان دیگر، قانون و اصل ویژه‌ای وجود ندارد که فاعل را در موقعیت‌های گوناگون برای معرفت فعل اخلاقی یاری کند. بنابراین، فاعلی که فضیلت‌مند است به دلیل منشی که دارد در بهترین حالت و وضعیتی است که می‌تواند بداند و بفهمد در موقعیت پیش‌آمده چه کاری خوب و اخلاقی است. او خود بهترین گزینه برای معرفت‌شناسی فعل اخلاقی است. از این رو، می‌توان گفت: از نگاه اسلوت یک فعل، اخلاقی و فضیلت‌مندانه است؛ در صورتی که فاعل فضیلت‌مند در آن موقعیت، همان را انجام دهد. فضیلت به فاعل یک بینش شهودی می‌دهد تا او بتواند تشخیص دهد فعل اخلاقی درخور با شرایط پیش‌رو چیست.

در اینجا این نکته قابل بررسی است که اگر شخص، فاعل فضیلت‌مند نباشد، چگونه تشخیص دهد که در موقعیت پیش‌آمده چه باید کرد؟ آیا فاعل غیرفضیلت‌مند در معرفت فعل اخلاقی، اسلوت جا می‌ماند؟ راه حل مسأله از نگاه اسلوت «فاعل فرضی» (Hypothetical subject) است. فاعل فرضی یعنی شخص باید خود را جای فاعل فضیلت‌مند و اخلاقی قرار دهد، ببیند اگر او در این موقعیت بود چه می‌کرد؟ به بیان دیگر، او یک فاعل فرضی برای خود بسازد و برابر کارکرد او در آن موقعیت اقدام کند.

او ترجیح می‌دهد قانون و سنجه ویژه‌ای در معرفت‌شناسی فاعل اخلاقی، دخالت نکند؛ اما او را تنها نمی‌گذارد و پهنه‌ای برای او شکل می‌دهد که نشانگر آن است که فاعل فرضی، چه انتخابی خواهد کرد؟ به بیان دیگر، یک چارچوب کلی را - که افعال اخلاقی معمولاً از آن سرپیچی نمی‌کنند - به او معرفی می‌کند تا او سردرگم نبوده و در یک خلأ، ناچار به انتخاب نباشد.

چارچوب و مفهوم بنیادی که فاعل برای معرفت‌شناسی باید در نظر بگیرد «خیرخواهی» (Benevolence) است. در واقع اینجا اسلوت نوع و محدوده قدرت درونی و سلامت نفس را

مشخص کرده است و باور دارد با خیرخواهی، پیوندهای انسانی، روشن تر توجیه می شود. خیرخواهی، نشانگر یک دغدغه و نگرانی برای افرادی غیر از خود فاعل اخلاقی است (Id, 2001, p.116). خیرخواهی، می تواند هم برای افراد آشنا و فامیل و هم برای افراد غریبه حتی در نقاط دوردست مطرح شود و کارکرد انگیزشی و معرفتی خود نسبت به فعل اخلاقی را اجرایی کند (Ibid, pp.117-118).

بنابراین، فاعل باید به گونه ای فعل را انتخاب کند که هم سود خود و هم سود دیگران را در آن در نظر بگیرد. کمک به دیگران نباید باعث شود او خیرخواهی دیگران را نادیده بگیرد و در عین حال، از علاقه های شخصی اش چشم پوشد. او باید بتواند نفع شخصی و تکلیف اخلاقی را باهم جمع کند و با این رویکرد به نوعی سازگاری و هنجارمندی در اندیشه اخلاقی دست یابد تا بتواند درست درباره فعلش تصمیم بگیرد.

۴. تبیین دو اصل معناشناسی و معرفت شناسی مایکل اسلوت

به طور خلاصه، اسلوت دو اصل جداگانه را در تبیین فعل اخلاقی به کار می گیرد:

* یک فعل اخلاقی است؛ اگر آن انگیزه یا نیت فضیلت مندانه را نشان دهد یا بیان کند یا حداقل بی تفاوتی فاعل یا انگیزه غیرفضیلت مندانه و شیطانی او را نشان ندهد؛

* یک تصمیم و فعل، اخلاقی است؛ اگر و تنها اگر آن رفتاری است که شخص فضیلت مند در شرایط مشابه انتخاب می کند.

اصل اول، سنجه معناشناختی فاعل مبنایی اسلوت از فعل اخلاقی است که می توان آن را بیانگر آن چیزی دانست که افعال را ارزیابی هم می کند؛ اصل دوم، سنجه معرفت شناسی فعل اخلاقی را ارایه می دهد که در واقع راهنمای فاعل برای انتخاب فعل در موقعیت های گوناگون است. اگر فاعل، کاملاً فضیلت مند است، برایش روشن خواهد بود که چه فعلی انجام دهد و چه تصمیمی بگیرد؛ اما این اصل، معمولاً برای فاعل هایی کاربرد دارد که کاملاً فضیلت مند نیستند و بینش شهودی برای تشخیص فعل اخلاقی ندارند؛ ولی مایلند کار اخلاقی انجام دهند. در اینجا این اصل به کمک آنها می شتابد تا بتوانند تصمیم درست بگیرند.

ارزیابی دیدگاه سمانتیکی و معرفتی مایکل اسلوت درباره فعل اخلاقی از نظر آیت‌الله مصباح‌یزدی

ون زیل جداسازی این دو اصل را با یک مثال به خوبی نشان می‌دهد (Van Zyl, N.d, p. 65): پدری که از دخترش می‌خواهد از برادرش به دلیل خراب کردن اسباب‌بازی‌اش معذرت‌خواهی کند. اگر دختر دلیل پافشاری پدر را بپرسد، او خواهد گفت: ما وقتی به احساسات دیگران آسیب برسانیم، کار اخلاقی و درست این است که از او عذرخواهی کنیم و از انجام کارمان احساس تأسف نماییم. این همان کاری است که هر انسان نجیب و اصیلی انجام خواهد داد (اصل دوم).

اما اگر دختر بچه از روی بی‌رغبتی معذرت بخواهد و نیت او برای این کار فقط این باشد که از تنبیه پدر و مادر دور شود و تصدیق و تشویق آنها را برانگیزد. از آنجا که طبق بیانات گذشته ارزیابی افعال و نیت در تفکر اسلوت از هم تفکیک شده است - فعل دختر بچه اخلاقی نخواهد بود و ستایشی در پی نخواهد داشت؛ زیرا با انگیزه‌ها و نیت‌های غیرفضیلت‌مندانه آلوده شده است. اگر بچه اعتراض کند که من همان کاری را انجام دادم که شما گفتید، پدر برابر با اندیشه اسلوت می‌تواند بگوید که این که کاری را که انجام دادی به طور دقیق همان کاری باشد که یک شخص فضیلت‌مند و اخلاقی انجام می‌دهد، کافی نیست، بلکه باید نیت تو هم فضیلت‌مندانه باشد (اصل اول). بنابراین دختر بچه برابر الگوی رفتاری فاعل فضیلت‌مند، عمل کرده است؛ ولی ملاک انگیزشی فعل اخلاقی که عنصر اصلی اخلاقی بودن یک فعل است اعمال نشده است. از این رو تعریف فعل اخلاقی، در اینجا درست نیست. بنابراین فعل، اخلاقی نیست؛ هرچند بچه در تصمیم‌گیری و انتخاب فعل، درست عمل کرده و همان که «باید» را انجام داده است.

اسلوت در تبیین معرفت‌شناسانه فعل درست، از اصل فاعل فرضی به عنوان ابزاری برای تصمیم درست استفاده کرد. بهترین و مورداعتمادترین شیوه برای خوب بودن و خوب عمل کردن، این است که بکوشیم آنچه فرد فضیلت‌مند از روی ویژگی‌های فضیلت‌مندانه انجام می‌دهد، انجام دهیم. بنابراین پدر، این نقش معرفتی را برای فرزندش بازی کرد و به او کمک کرد تا همانند یک فاعل اخلاقی عمل کند؛ درحالی که دختر بچه، فاعل فضیلت‌مدار نبود.

۵. دیدگاه آیت الله مصباح یزدی درباره ماهیت عمل اخلاقی

ایشان رفتاری با انتخاب آگاهانه و عاقلانه، همراه با اختیار و شایستگی انسانی که دارای نیت ارزشمند اخلاقی باشد، را عمل اخلاقی می نامند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ ب، ص ۹۹ و ۱۳۹۴ ب، ص ۱۴۰-۱۴۹). از نگاه وی، عنصر محوری در فعل اخلاقی، نیت است. ارزش اخلاقی در نیت هم پیرو تأثیری است که فعل اخلاقی در به دست آوردن نتیجه خوشایند - یعنی کمال و سعادت حقیقی انسان - دارد. اگر تاثیر مثبت داشته باشد، فعل اخلاقی ارزش مثبت خواهد داشت و فضیلت شمرده می شود و اگر نتیجه منفی داشته باشد و انسان را از کمال بازدارد، دارای ارزش منفی بوده و رذیلت نامیده می شود (همو، ۱۳۹۴ ج، ص ۳۲۸ و ۱۳۹۴ الف، ص ۶۱-۸۴). به عبارت دیگر کار اخلاقی به خودی خود، باید کرداری نیکو باشد؛ یعنی شایستگی و شان این را داشته باشد که انسان را به کمال برساند و نیت درست هم داشته باشد، تا کمالش به نفس برگردد. بنابراین، آیت الله مصباح یزدی، در تعریف فعل اخلاقی، به دو عنصر سفارش می کند: «صلاحیت فعل بما انه فعل» و «صلاحیت فعل بما انه صادر عن الفاعل». یعنی هم حسن فعلی و هم حسن فاعلی دو مولفه مهم و بنیادین تعریف عمل اخلاقی در نگاه ایشان است.

۶. دیدگاه آیت الله مصباح یزدی درباره معرفت فعل اخلاقی

از دیدگاه ایشان، معرفت عمل اخلاقی باید در دو زمینه شکل بگیرد: اول پی بردن به کمال دلخواه انسان و دوم راه رسیدن به آن (همو، ۱۳۹۴ ج، ص ۳۲۹). شناخت رفتار اخلاقی وابسته به شناخت رابطه بالقیاس بین فعل و نتیجه فعل است. یعنی باید فعل تاثیر مستقیم در آن نتیجه ویژه که - سعادت نهایی و قرب الی الله است - داشته باشد. بنابراین، اگر شناخت درست و نقص در جهان بینی فاعل و درک نکردن درست پیوند بین افعال اختیاری با کمال دلخواه باشد، ناسازگاری پدید می آید و معرفت درست ایجاد نخواهد شد. در یک حکم کلی، عقل به طور بدیهی هدف دین و محتویات وحی را - که کمال انسان است - درک می کند. در انتخاب مصداق، گاهی به کمک ادراکات عادی و عقلانی، نمی تواند تکلیف خود را تشخیص دهد و بفهمد آیا به طور واقعی، دست یابی به کمال نیازمند چنین تکلیفی است که در اینجا وحی و دین تعیین کننده خواهد بود؟ (همو، ۳۹۴ الف، ص ۱۷۰)

ارزیابی دیدگاه سمانتیکی و معرفتی مایکل اسلوت درباره فعل اخلاقی از نظر آیت‌الله مصباح‌یزدی

در شناسایی مصداق سعادت انسان، ایشان دین را دخالت می‌دهد که این معرفت را به فاعل بدهد و نظام دینی اسلام را بر اصول موضوعه ویژه، استوار می‌داند که بر پایه آیات و روایات، ارزش‌های اخلاقی را بر پایه واقعیت عینی معرفی می‌کند و هر گونه فعل اختیاری که در راستای هدف قرب الی الله باشد را اخلاقی می‌داند. در واقع ایشان اصل معرفت‌شناسی فعل اخلاقی را بر پایه واقع‌گرایی اخلاقی (همو، ۱۳۹۴ ج، ص ۳۳۲) و بر مفاهیم و ارزش‌هایی می‌داند که از واقعیت‌ها و حقیقت‌های خارجی سخن می‌گوید. در نظام معرفتی اسلام و آنچه آیت‌الله مصباح‌یزدی معرفی می‌کند، به منظور از بین بردن تراحمات اخلاقی و اینکه تکلیف هر نوع فاعلی - چه فضیلت‌مند و چه غیرفضیلت‌مند - درباره معرفت عمل اخلاقی روشن باشد، اندازه مشخصی برای ارزش‌ها تعیین شده است. این محدوده چنان است که بر تأثیرات تمام افعال در امور فردی و اجتماعی احاطه دارد اما شناخت آن در گستره ابزار درک بشری (حس و عقل) نیست. از این‌رو، درک پیوند سبب و مسببی بین فعل و نتیجه‌اش، جعل‌شدنی نیست و شناخت آن نیازمند منبعی فرابشری است. با توجه به این رویکرد، افعالی که در حقیقت تأثیر کلی در کمال انسان دارند، افعالی هستند که این شرایط را داشته باشند:

* از ایمان به خدا و روز قیامت سرچشمه بگیرد؛

* در چارچوب تکالیف شرعی انجام شود.

اگر کاری از روی ایمان انجام نشود، کمالی برای نفس ایجاد نمی‌کند. پس حتی اگر حسن فعلی هم داشته باشد، چون حسن فاعلی ندارد و بر پایه واقع‌گرایی اخلاقی همراه با واقعیت عینی نیست، تأثیر واقعی خودش را نخواهد گذاشت. نکته مهم آن است که آیت‌الله مصباح‌یزدی، در شناسایی فاعل در صحنه معرفت عمل اخلاقی و تراحمات اخلاقی، او را به عقل و دین ارجاع می‌دهد؛ اما مایکل اسلوت در این گستره، همه چیز را به عهده خود فاعل اخلاقی می‌گذارد.

۷. نقد آیت‌الله مصباح‌یزدی بر مایکل اسلوت

اسلوت در معنا و معرفت، چارچوب ویژه‌ای برای فضیلت‌ها مشخص کرده و از فضیلت‌های بنیادین، ناآگاه است؛ درحالی که آیت‌الله مصباح‌یزدی، فضیلت‌هایی همانند خیرخواهی، ایثار و سخاوت را عنصر معنایی و معرفتی عمل اخلاقی در نظر نمی‌گیرد. ایشان این دسته از فضیلت‌ها را جزو گروهی از فضایل بیان می‌کنند که اگر همراه با اخلاص و رضایت خداوند نباشد، هویتی به اخلاقی بودن عمل انسان نمی‌دهد (فقط شاید در شکل ظاهری اخلاقی ارزیابی شود). این انگیزه‌های تنها، هرچند برخلاف دستورهای شرع نیست و ارزش نزدیک به حدنصاب فضیلت را دارد و نفس را برای نزدیکی به کمال نهایی آماده می‌کند؛ اما کمال ثابتی برای نفس ایجاد نمی‌کند. اندازه مشخص از نگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی در عمل اخلاقی، آن است که سعادت ابدی را فراهم کند و در راستای قرب الی‌الله باشد.

اسلوت در مصداق‌یابی فضیلت، به فضایل متعالی که به‌طور ویژه در رابطه انسان با خدا شکل می‌گیرد و اعمال اخلاقی نتیجه آن است، باور ندارد؛ اما آیت‌الله مصباح‌یزدی فضایی را مشخص می‌کند که هیچ ربطی به منافع خود یا دیگران ندارد. با این وجود، در اخلاق اسلامی شایسته و از ارزش اخلاقی برخوردار است (خشوع در نماز، اخلاص و ...) (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴ الف، ص ۷۴).

بنا بر آنچه از نگاه اسلوت درباره دو مساله پیش‌رو بیان شد، تنها یک مقدمه و اصل درجه دوم و قریب، نسبت به معیاری است که آیت‌الله مصباح‌یزدی ارایه می‌کند. ایشان برعکس اسلوت، دین را در این دو حوزه، دارای کارکرد می‌داند و آن را دارای این توانایی می‌داند که عقل را یاری رساند و مسایل اخلاقی را بررسی کند. رفتارهای ایثارگرایانه و خیرخواهانه، تنها با باورمندی به خدا و حساب و پاداش آن‌دنیایی پذیرفتنی است و حضور خداوند در رفتارهای اخلاقی، محملی برای موجه کردن رفتار اخلاقی به شمار می‌آید. ایشان رضایت و قرب خداوند را به عنوان مصداق کامل سعادت در اخلاق مطرح می‌کند و در نهایت از دید ایشان، همین عامل در معنا و معرفت عمل اخلاقی، محوری است.

بنابراین نکته مهمی که در مبنای نقد آیت‌الله مصباح‌یزدی و رویارویی اندیشه این دو

ارزیابی دیدگاه سمانتیکی و معرفتی مایکل اسلوت درباره فعل اخلاقی از نظر آیت‌الله مصباح‌یزدی

فیلسوف اخلاقی مطرح است، درباره گستره رذایل و فضایل اخلاقی است. ایشان بالاترین فضیلت را در پیوند انسان‌ها با یکدیگر بیان نمی‌کند بلکه در پیوند انسان با خدا توضیح می‌دهد. از نگاه او، اندازه مشخص فضیلت‌های اخلاقی، ایمان است که تمام فضیلت‌های انسانی در پیوند با دیگر افراد بشر در سایه آن، اخلاقی خواهد بود. این فضیلت است که می‌تواند، ماهیت عمل اخلاقی را روشن کند.

ایمان وابسته به معرفت و شناخت است. هرچه ایمان انسان در مراتب بالاتر باشد، معرفت او هم کامل‌تر خواهد بود. علم و معرفت به عنوان یکی از متعلقات ایمان، از جمله اصول و ریشه‌های ارزش‌های اخلاقی شمرده می‌شود (همو، ۱۳۹۳ الف، ص ۱۳۲). معرفت در صورتی ممکن است که پیوند فعل و هدف درک شود. ایمان، این قدرت معرفتی را به فاعل اخلاقی می‌دهد. حقیقت دین را عقل درک می‌کند (همو، ۱۳۹۴ الف، ص ۱۳۷). عقل توانایی رشدکردن دارد (همو، ۱۳۹۸، ص ۹۲) و این عمل انسان است که درک عقل را رشد می‌دهد و معرفت را به درک حقانیت دین می‌رساند (همان، ص ۱۳۹). اما مایکل اسلوت اصل معناشناسی خود را بر فضیلت‌های درجه دوم و اصل معرفت‌شناسی خود را بنا بر فرضیت می‌گذارد. بنابراین، پیامدهایی همچون گرفتارشدن فاعل در تعارضات اخلاقی پیش خواهد آمد. به طور مثال، اگر در رودخانه‌ای چند نفر در حال غرق شدن هستند که یکی از آن افراد، همسر یا فرزند آدمی باشد، آیا یک تعارض معرفتی نیست که انسان فراخور میل و علاقه شخصی، همسر یا فرزند خود را نجات دهد و بگذارد فرد غریبه غرق شود؟ به نظر می‌رسد در ارایه سنجه معرفتی در تفکر اسلوت، شکافی بین اینکه از روی احساس عمل شود یا اخلاق، روی می‌دهد. آیا این مساله به آن جا ختم نمی‌شود که بخشی از اخلاق، عملی نباشد؟ اگر فرد خواسته یا ناخواسته حتی اگر فضیلت‌مند است، گرایش و میل داشته باشد که به سوی همسر یا فرزند خود شیرجه بزند و او را نجات دهد، سرزنش نمی‌شود؟ اسلوت چگونه و با چه مبنایی، فاعلی که فضیلت‌مند نیست و تاکنون به طور مثال، فعل مبتنی بر سخاوت، حلم یا شجاعت انجام نداده است را به فاعل فرضی ارجاع می‌دهد؟

نتیجه

مایکل اسلوت، فیلسوف برجسته فلسفه اخلاق در پاسخ به دو مسأله ماهیت سمانتیکی و معرفتی فعل اخلاقی، بستر و متن ویژه فکری دارد که الهام گرفته از اخلاق فضیلت فاعل مبناست. فاعل مبنایی که از نگاه او با محوری بودن فضیلت مندی فاعل به دور از اصول و قوانین کلیشه‌ای، می‌تواند نه تنها جوانب فعل اخلاقی را روشن کند، بلکه تمام تعارضات مطرح شده در آن را نیز پاسخ دهد. در نگاه او خیرخواهی، عنصر محوری اخلاقی شدن یک عمل است. او در مرتبه اول معرفت‌شناسی را برگرفته از فضیلت فاعل مطرح کرد و در مرتبه بعدی فاعل فضیلت مند را در صورت فضیلت، معرفت‌زا می‌داند.

از آنجا که اسلوت در بیان معرفت‌شناسی خود از فعل اخلاقی، اصول اخلاقی را رد می‌کند و باور دارد که امکان داوری اخلاقی و تصمیم‌سازی اخلاقی به هیچ‌روی وابسته به مجموعه‌ای از اصول اخلاقی نیست، می‌توان گفت او عقیده‌ای در برابر «عام‌گرایان»^۱ دارد. از این رو، اسلوت یک «خاص‌گرا»^۲ است و عقلانیت اخلاق را می‌پذیرد. اسلوت در خاص‌گرایی خود به نوعی شهود اخلاقی باور دارد و یک شبکه ارتباطی در فاعل می‌کشد که می‌تواند او را در تصمیم‌گیری درست برای اجرای یک فعل اخلاقی کمک کند. از این رو، او اخلاق را نظامی پیچیده و شکل گرفته از قواعد اخلاقی نمی‌داند و فضیلت و فاعل اخلاقی را برای معنا و معرفت مهمترین عنصر اخلاق یعنی فعل اخلاقی، کافی می‌داند (مک ناتن، ۱۳۸۳، ص ۲۷۴-۲۷۵).

آیت‌الله مصباح‌یزدی، اخلاقی را قبول دارد که از دین گرفته شده باشد؛ دینی که ناظر به وحی و مکمل عقل و شهود فاعل است؛ دینی که نقش معرفت‌شناسی و معنایی در مولفه‌های اخلاقی دارد و اخلاق سکولار و ضعف‌های برخاسته از آن را رد می‌کند. ایشان عملی را اخلاقی می‌داند که روح بالاترین فضیلت اخلاقی - یعنی ایمان به وحدانیت خدا و روز قیامت - در آن موجود باشد و وحی را به عنوان مکمل عقل و شهود فاعل، عامل اصلی معرفت‌شناختی اخلاقی او معرفی می‌کند. بنابراین، در هر دو مسأله مورد بحث، با اسلوت مخالف است.

1. Generalist
2. Particularist

ارزیابی دیدگاه سمانتیکی و معرفتی مایکل اسلوت درباره فعل اخلاقی از نظر آیت‌الله مصباح‌یزدی

این مقاله تنها در پی این نبود تا ملاک سمانتیکی و معرفتی فعل اخلاقی را نشان دهد بلکه پایه‌های معرفتی و معنایی حاکم بر اندیشه‌ها را مورد بررسی قرار داد تا اجازه توسعه علم و معرفت را در این راستا به مخاطب فلسفه اخلاق بدهد. آنچه بیان شد، مشخص کرد که اخلاق فضیلت، در بستر دین می‌تواند با ایجاد فضای اخلاقی گسترده، فهم دقیق‌تری از فاعل و فعل اخلاقی در اختیار بگذارد و این امر، منجر به تسریع در حل تعارض‌های اخلاقی می‌گردد.

کتابنامه

- ارسطو (۱۳۷۸). اخلاق نیکوماخوس. ترجمه محمد حسن لطفی. تهران: طرح نو.
- اکبری، رضا (۱۳۸۶). حل تعارضات اخلاقی بر پایه فضیلت. پژوهش های فلسفی کلامی. ش ۳ و ۴. ص ۸۵-۹۹.
- پینکافس، ادموند (۱۳۸۲). از مسأله محوری تا فضیلت گرایی. ترجمه سید حمیدرضا حسنی ومهدی علی پور. قم: معارف.
- خزاعی، زهرا (۱۳۹۴). معرفت شناسی فضیلت. تهران: سمت.
- خزاعی، زهرا (۱۳۹۳). باور دینی انگیزش و التزام اخلاقی. الهیات تطبیقی. ش ۱۲، ص ۹۸-۸۵.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۹۳). فلسفه فضیلت. ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی. تهران: نقش و نگار.
- محمودی، علی (۱۳۸۶). نگرش فلسفی بر اخلاق در پژوهش. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. ش ۴، ص ۱۲۹-۱۴۲.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). قرآن در آئینه نهج البلاغه. قم: زلال کوثر.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳ الف). انسان سازی در قرآن. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳ ب). چکیده ای از اندیشه های بنیادین اسلامی. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ الف). اخلاق در قرآن، ج ۲. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ ب). فلسفه اخلاق. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ ج). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۷). فلسفه اخلاق. قم: صدرا.

ارزیابی دیدگاه سمانتیکی و معرفتی مایکل اسلوت درباره فعل اخلاقی از نظر آیت‌الله مصباح‌یزدی

مک ناتن، دیوید (۱۳۸۳). نگاه اخلاقی. ترجمه حسن میاننداری. تهران: سمت.

نبوی‌میبدی، مریم‌السادات (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی دیدگاه علامه طباطبایی و مایکل اسلوت در مورد نقش منش و نیت در فعل اخلاقی. (رساله دکتری در رشته فلسفه اخلاق). قم: دانشگاه قم.

نیگل، تامس و دیگران (۱۳۹۳). دانش نامه فلسفه اخلاق. ترجمه انشاء‌الله رحمتی. بی‌جا: سوفیا.

Ruth, Purtilo and others. (2006). Education for Moral Action. Charlotte. Taylor and Francis.

Slote, Michael. (1992). From Morality to Virtue. New York: Oxford University Press.

Slote, Michael. (1997a). Agent-Based Virtue Ethics. Virtue Ethics. Ed:f.R.Grips. New York: Oxford University Press.

Slote, Michael. (1997b). How Should One Live. Ed:Roger Crisp. New York: Oxford University Press. pp 72-80.

Slote, Michael (2001). Moral From Motives. New York: Oxford University Press.

Slote, Michael (2009). Essays on the History of Ethics, New York: Oxford University Press.

Van Zyl, Liezl. (n.d). In Defence of Agent-Based Virtue Ethics, Department of Philosophy and Religious Studies. New Zealand:University of Waikato.

Zagzebski, L. T. (1996). Virtue of the Mind: An Inquiry into the Nature of Virtue and the Ethical Foundations of Knowledge. New York: Cambridge University press.